فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc91267359)

[بررسی ابعاد فقه تربیتی 2](#_Toc91267360)

[بسترهای تربیتی و نهادهای تربیتی 2](#_Toc91267361)

[جایگاه حاکمیت و حکومت از نگاه فقهی 3](#_Toc91267362)

[وظیفه مندی حاکمیت و حکومت در تربیت 4](#_Toc91267363)

[مفهوم حاکم و حاکمیت 5](#_Toc91267364)

[تزاحم در وظیفه مندی حاکم و حاکمیت 5](#_Toc91267365)

[مفهوم شناسی حریم شخصی 5](#_Toc91267366)

[پیشینه حریم شخصی در لیبرالسیم 8](#_Toc91267367)

[رابطه حریم شخصی و آزادی 9](#_Toc91267368)

[حریم شخصی در نگاه اسلام 10](#_Toc91267369)

[اقسام حریم شخصی 10](#_Toc91267370)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# پیشگفتار

این جلسه با عنوان فقه تربیتی هست که ناظر به نهاد حکومت و حاکمیت وارد بحث فقه تربیتی و موضوعات آن می‌شویم. در این جلسه موضوع بحث نهاد حاکمیت و تزاحم وظایف آن در تربیت با حریم شخصی است.

نقشه بحث و این سیر دوره را می‌گویم

در فقه تربیتی بخشی از مباحث ناظر به مبانی فقه تربیتی است که دو جلسه محضر حضرت آیت الله اعرافی و حضرت استاد موسوی بودیم که کلیاتی را در مورد بحث فقه تربیتی داشتند

بعد از آن یک بحث روشی داشتیم که آقای طرقی روش پژوهش در فقه تربیتی را داشتند البته ما بعد از این دوره حتما نشست‌هایی را یا به صورت فصلی یا شبیه به آن خواهیم داشت چون در بحث روش‌شناسی حرفهایی که باید زده بشود زیاد داریم عزیزانی که در فقه تربیتی کار می‌کنند تجربیات بسیار خوبی دارند که شما از آن تجربیات در جهت پژوهش‌های خوب و اقدام‌های خوب فقه تربیتی بهره ببرید.

# بررسی ابعاد فقه تربیتی

بعد از این مقدمات ما فقه تربیت را از دو بعد می‌توانیم بررسی کنیم

یک بعد ساحتی فقه تربیت هست بعد دوم بعد نهادی فقه تربیت است در فقه تربیت یک بخشی ساحتهای فقه تربیت داریم که فقه یا به معنی الاخص فقه باید درباره آن صحبت بکند وظایف مکلفین را بگوید در ساحت تربیت جنسی، تربیت اعتقادی، تربیت ارزشی، تربیت هنری و جسمی و امثالهم.

چرا این ساعتی که نهاد بود و جسمانی بود تربیت جنسی بود و حدود سه چهار ساحت را بحث کردیم چرا این چهار ساحت؟ مگر ساحت‌های دیگر نیست، اما از این جهت این ساحت‌ها بحث شده است مباحث آن با حضرت ایت الله اعرافی مباحثه شده است و ایشان نظریات را متقن کرده‌اند لذا ما از ساحاتی شروع کردیم که آن اتقان لازم را داشته باشند.

هنوز بحثهای ساحتی خیلی دامنه وسیعی دارد که باید ادامه داده شود

بعد بعدی که باید وارد بشویم از جهت بسترهای تربیتی است

# بسترهای تربیتی و نهادهای تربیتی

بسترهای تربیتی و نهادهای تربیتی جایگاه بسیار مهمی در تربیت دارند که فقه باید به آن بپردازد بحث‌های بسیار مهمی که در مورد بستر و نهادی به نام نهاد مدرسه باید بپردازیم

نهاد خانواده اهمیت بسیار زیادی دارد که تا حدی نیم نگاهی به نهاد خانواده داشتیم

نهاد اجتماع فضای عمومی اجتماعی که خودش به مثابه یک نهاد بایسته بررسی است که فقه تربیت باید بررسی کند مسائل آن را.

نهاد حاکمیت؛ یا به معنی الاعم یعنی دستگاه حاکمیت اسلامی، یک نهادی است که وظایفی دارد باید آن وظایف و جایگاه‌ها و روشهایی را که می‌تواند نسبت به تربیت داشته باشد را باید بررسی کنیم که در این جلسه یکی از موضوعاتی که ناظر به نهاد حاکمیت هست را بحث می‌کنیم

نهادها جایگاه بسیار مهمی دارند و به علت محدودیت به یک یا دو نهاد خانواده و حاکمیت را بیشتر نتوانستیم بپردازیم

حاکمیت جدای از بعد سیاسی از منظر فقه و معارف شیعه اسلامی یک نهاد تربیتی است اصلا حاکمیت و حکومت برای تربیت آمده است فلسفه حاکمیت و حکومت در اسلام فلسفه تربیتی و هدایتی است پیامبرها و انبیاء برای تربیت آمده‌اند و اگر جایی توانش را داشتند و ظرفیت مردمی بود اقدام به تشکیل حکومت و حاکمیت می‌کردند البته اثار حکومت پیامبران در تاریخ محو شده است وگر نه جریانهایی در پی این بودند که این اثار را از بین ببرند وگرنه از باب نمونه بعد از حضرت یوسف در مصر سال‌ها بعد از ایشان بزرگان و پیامبرهایی حکومت داشتند ولی معمولاً اثار این حکومت اینها از بین می‌رفته است.

# جایگاه حاکمیت و حکومت از نگاه فقهی

حاکمیت و حکومت در نگاه فقهی و در فقه اکبر در نظام‌واره اسلام یک جایگاه تربیتی دارد صرفاً برای پیگیری مطالبات اقتصادی سیاسی خرد و نه آن معنایی که در آن هم تربیتی هست و اقتصادی و عمرانی و امثالهم نیست هدف اصلی هدایت انسانهاست.

امیرالمؤمنین وقتی محضر ایشان امدند بعد از اینکه سال‌ها حضرت را خانه‌نشین کردند گفتند یا علی بیا و خلافت را در دست گیر، حضرت چگونه با مردم برخورد کردند فرمودند این حکومتی که برای شما عزیز است برای من ارزشی ندارد اما از این جهت که احقاق حقی بکنم می‌پذریم.

این بحث مفصلی دارد و این که رابطه حاکمیت با تربیت و هدایت و بهتر است این جور بگوییم وظیفه حاکمیت در مورد تربیت خود یک فصل مفصلی دارد که یکی از جلدهای کتابهایی که در مؤسسه اشراق و عرفان کار شده است در این موضوع هست وظیفه مندی حاکمیت در تربیت که فصل عریضی دارد و ادله مختلفی دارد و بر پایه آن ادله اثبات می‌شود که حاکمیت جزو وظایف اصلی‌اش بحث تربیت است.

# وظیفه مندی حاکمیت و حکومت در تربیت

مقدمتاً اشاره می‌کنیم که بر پایه قواعد عامه‌ای مثل قاعده تامین عدالت اجتماعی، قاعده هدایت، قاعده عزت مسلمین و قاعده حفظ نظام اجتماعی که اینها قواعد فقهی هستند یا مسئله امر به معروف و نهی از منکر از این جهت که ابعاد مختلفی دارد در فقه، خود یک قاعده فقهی است

امر به معروف و نهی از منکر، هدایت، عدالت اجتماعی اینها ادله و قواعد فقهی هستند که دلیل می‌شوند که حاکمیت نسبت به تربیت وظیفه دارد و وظیفه‌مند است و این وظیفه مندی در دایره احکام خمسه هست در بعضی مسائل باید ورود کند واجب است در بعضی از مسائل خوب است وارد بشود و از این بعد که وجوب و استحباب و اباحه و از آن جهت که بعضاً شاید حرمت و کراهت را می‌رساند.

یک بحث این است که حاکمیت و حکومت علاوه بر اینکه باید بررسی بشود که وظیفه مندی‌اش چه حکمی دارد و در کجا باید وارد بشود و از چه نوعی باید استفاده بکند یک مسئله کلی هم هست و آن این است که ما در مسائل تربیتی خیلی وقت‌ها واجب‌های اجتماعی ما به صورت واجب کفایی است یعنی فرض بفرمایید در مسئله امر به معروف و نهی از منکر همه وظیفه دارند یک مسئله‌ای در جامعه پیش آمد امر به معروف و نهی از منکر کنند و حکومت حاکمیت وظیفه بیشتری دارد چون توان بیشتری دارد. اما یک نکته را دقت بفرمایید اگر مردم آن کار را انجام بدهند فرض کنید یک امری پیش آمده و باید نهی از منکر بشود یا هدایت بشود آن فرد، یا مسئله‌ای که ناظر به اصلاح اجتماعی است باید انجام بشود اگر حاکمیت وظیفه‌اش را انجام نداد حاکمیت اسلامی، و مردم آن کار را انجام دادند ابتدائا نگاه می‌کنیم می‌بینیم واجب کفایی است هر که انجام داد انجام داد.

اما اگر اینجا حاکم و حاکمیت در بعضی مسائل تربیتی وارد نشوند چون وظیفه ویژه دارند اگر وارد نشوند و حتی اگر بقیه مردم وارد بشوند و عمل بکنند و آن واجب را از وجوب خارج کنند و من به الکفایه انجام شده باشد اینجا فرق می‌کند حاکم و حاکمیت با دیگران، دیگران دیگر وظیفه‌ای ندارند حرامی هم انجام نداده‌اند واجبی بوده است و انجام شده است اما حاکم و حاکمیت در بسیاری از موارد اگر وظیفه تربیتی خود را انجام ندهد حتی اگر دیگران انجام دهند این جا ترک فعل کرده است

این بحثی دارد که در بحث واجب کفایی باید بحث بشود اگر ما در مسائل فرهنگی به ویژه آنجا که حاکم و حاکمیت را وظیفه‌مند می‌دانیم و بحث می‌کنیم اگر اینها ترک فعل کنند حتی ترک فعلی که زمینه ورود مردم را مهیا نکنند و مانع بشوند و بیخیال انجام آن وظیفه بشوند اگر مردم انجام بدهند این طور نیست که بگوییم انجام شده است دیگر کسی وظیفه‌ای ندارد و حاکم هم مشکلی ندارد.

اینجا حاکم و حاکمیت ترک فعل کرده است البته باید کامل بحث شود که منظور چیست؟

# مفهوم حاکم و حاکمیت

اجمالا می‌پذریم بر اساس قواعد فقهی، ناظر به اصلاح تربیتی در جامعه حاکم و حاکمیت، حاکم یعنی کسی که در رأس است الان مثلاً از نظر حقیقی و حقوقی مقام معظم رهبری یا نهادهای حاکمیتی که مسئولیت کارهای تربیتی داردند؛ سازمان تبلیغات، نهاد امام جمعه‌ها و امثالهم اینها جنبه حاکمیتی دارند و خود بحث رهبری در کلان، رئیس جمهور، استاندارها، فرماندارها و لایه‌های مدیریتی تا انت‌ها اینها سطوح مختلف حاکمیت و حاکم اسلامی را تشکیل می‌دهند حاکم اسلامی یک نفر نمی‌شود یک مفهوم مشکک هست که آن مفهوم اصلی رهبری جامعه را در بر می‌گیرد. ولی یک مفهومی است که این حاکمیت را می‌توانیم تشکیکی بدانیم و در هر لایه‌ای فرد را در جامعه اسلامی وقتی مدیریتی به عهده‌اش هست حاکم در آن بعد ببینیم. مثلاً رئیس سازمان تبلیغات حاکم در آن بعد است رئیس یک مدرسه حاکمیت در آن بعد دارد.

پس مفهوم حاکم یک مفهوم مشکک می‌تواند باشد. اینطور بحث نشده است

حاکمیت آن نظام هست، نظام ساختاری هست که نهادها را می‌توانیم شامل آن بدانیم؛ نهاد امام جمعه، نهاد سازمان تبلیغات، نهاد امر به معروف و نهی از منکر، و ستاد اقامه نماز و امثالهم که اینها چون جنبه حاکمیتی دارند بر اساس جنبه حاکمیتی وظایف تربیتی و فرهنگی دارند.

بخشی از وظایف اینها عملکرد و برون داد آن تحقق در کف جامعه است.

پس اول وظیفه مندی که خیلی مسلم است ولی جا دارد درباره آن بحث کنیم

# تزاحم در وظیفه مندی حاکم و حاکمیت

لایه بعدی وظیفه مندی داریم را خیلی وقت‌ها حاکم و یا حاکمیت دستگاه‌های حاکمیتی اگر بخواهند انجام بدهند مواجه می‌شوند به ویژه در عرصه عمومی، به یک مسئله و یک تزاحم و آن چه چیزی است و آن تزاحم آن اصلاح اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، هدایت، و وظایف دیگر که بر اساس روابط فقهی فقه فرهنگ و فقه تربیت حاکم و حاکمیت را وظیفه‌مند می‌کند

وقتی می‌خواهد عملا اجرا کند یک مسئله‌ای پیش می‌آید که این روزها خیلی راجع به آن بحث می‌شود و آن تزاحم این وظایف با فضای حریم شخصی، از اینجا ما وارد بحث می‌شویم. بحث بسیار مهمی به نام حریم شخصی.

# مفهوم شناسی حریم شخصی

امروزه یکی از مسائلی که در رسانه‌ها و روزنامه‌ها درباره آن خیلی صحبت می‌شود و واقعاً به بهانه حریم شخصی می‌زنند بحثهایی مثل امر به معروف و نهی از منکر را، مثل هدایتی که باید در جامعه انجام بشود اصلاحاتی که در جامعه باید انجام بشود و بعدهای نظارتی حاکمیت که در جامعه باید انجام بشود را با بحث حریم شخصی می‌زنند. آقا چرا وارد شدید اینجا حریم شخصی است ماشین است من می‌خواهم حجاب نداشته باشم. خود می‌دانم و ماشین شخصی من است. ای چهار دیواری اختیاری است، این فضای شخصی من است. چرا حاکم و حاکمیت وارد می‌شود بحث فیلترینگ را انجام می‌دهد.

بحث حریم شخصی نه فقط در نظام اسلامی ما، در جامعه امروزی خیلی بحث به روزی هست و درباره آن صحبت زیاد می‌شود.

اولین کار این است که ما باید متوجه باشیم که حریم شخصی به چه معنایی است؟

معضل این است که کسانی که در عرصه فرهنگی و تربیتی حضور پیدا می‌کنند خیلی اوقات مفهوم‌شناسی درست در مسائل فرهنگی ندارند و خیلی از معضلات ما ازعدم شناخت مفهوم در مفاهیم کلیدی و فرهنگی است.

آیا مفهوم توسعه در بحث اقتصاد خوب است یا بد است؟ توسعه یعنی وسعت چیز خوبی است، بیمه؟ چیز خوبی است. یکی می‌گوید بیمه در فلان روایت هم گفته شده است اول باید فهم بکنید بیمه که از غرب آمده است یعنی چه؟ یک نظام اقتصادی است بورس یعنی چه؟ سهام یک کارخانه را بخرید چیز خوبی است و بد نیست بعد نگاه می‌کنید آیا این همان است، ارز دیجیتال، در فضای فرهنگی، مفهوم آزادی، خیلی خوب است اصلا روایات ما در مورد آزادی چقدر صحبت کرده است، کدام آزادی؟ تعریف ما از آزادی چیست؟ حریم شخصی؛ بله روایات ما راجع به حریم شخصی صحبت کرده است.

مسائل جدید از مسائلی نیست که خیلی اوقات مستقیم آن مفاهیم و واژه‌ها در روایات صحبت شده باشد این حریم شخصی که امروزه که گفته می‌شود و نسبی هست خارج از بحث نسبیت، بله از جهتی نسبی است وقتی مفهومی از غرب می‌آید عزیزان حتما در این جلسه حضور دارند مطالعات فرهنگی دارند وقتی مفهومی از غرب وارد می‌شود چگونه باید با آن برخورد کرد؟

اول باید مفهوم را فهم کرد و ما مشکلمان این است که خیلی از مسئولین ما فهم درستی از مفاهیمی که از غرب وارد شده است ندارد حالا مفاهیمی که از غرب وارد شده است از ابزارهایی که از غرب وارد شده است، فضای مجازی، می‌گوید فضای مجازی چیز خوبی است و خودم استفاده می‌کنم

اینها مفاهیمی پشت آن است و موبایل وسیله‌ای است که بر پایه Individualism طراحی شده است بر پایه فردگرایی ترسیم شده است. این انسان را خود به خود به سوی آن بعد شخصی انسان پیش میبرد چون بر پایه Individualism شکل گرفته است.

یک مفهومی از غرب می‌آید با همین عنوان حریم شخصی، آن وقت مقالات راجع به آن نوشته می‌شود و گفته می‌شود آیا در اسلام هست یا نیست؟ جدای از اینکه بحث کنیم هست یا نیست، اول باید ببینیم آبشخور این کجاست مفهومی که اینها می‌گویند به چه معناست؟ لذا شما دقت مقام معظم رهبری را ببینید ایشان وقتی وارد بحث می‌شوند با دقت کلمات را استفاده می‌کنند.

مثلاً از مفهوم توسعه کمتر استفاده می‌کنند، اما از عنوان و واژه پیشرفت استفاده می‌کنند. چون متوجه هستند که توسعه به معنای وسعت به این معنا که بگوییم توسعه یعنی وسعت، وَسَعَ ایجاد فراخی و وسعت ایجاد کردن و این چیز خوبی است و موضوع‌شناسی ندانیم بعد بگوییم در مورد توسعه روایت داریم بعد یک غربی، اگر که این بحث ما را و کسی که این مفاهیم را وضع کرده است می‌بینید چقدر فرق می‌کند با آن چیزی که آن بنده خدا گفته است. عدم دقت و مشکل ما در خیلی جاها مفهوم‌شناسی است

مفهوم سینما وارد می‌شود. گیر به لغات گیر ندهید، این چه حرفی است؟ رُمان، سینما، موبایل، ابزارهای فرهنگی تربیتی را می‌گویم اینها هر کدام بار دارد آیا من از همه اینها در همه ابعاد فرهنگی و تربیتی می‌توانیم استفاده کنیم یا اینکه خود اینها بار دارد مثلاً موبایل یک وسیله فردی است دقت کنیم چقدر برنامه‌های فرهنگی ما بر پایه اپلیکیشن می‌تواند باشد منظور من نرم افزارهای کاربردی گوشی است. چه نوع برنامه‌هایی می‌تواند در آن قرار بگیرد آیا زیاد بردن برنامه‌های فرهنگی در این فضا خود آسیبی دارد یا خیر؟ باید روی اینها فکر کرد.

یک بخشش به مفهوم‌شناسی برمی گردد اگر فهم درستی از مفهوم‌شناسی داشته باشیم بهتر می‌توانیم به این برسیم که آن ابزار و آن وسیله چطور هست و چه معنایی دارد و آیا روایات ما و آیات ما که مفاهیم متناطر با آن دارد چه ارتباطی می‌تواند برقرار کند.

ما می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر، حریم شخصی، یک عده‌ای بر پایه تعریف حریم شخصی که در فضای غربی هست امر به معروف ما را می‌زنند، حق دارند چون شما حریم شخصی را بر پایه لیبرالیسم یا انقمانیسم انسانگرایی تعریف کرده باشید می‌گویید اصل حریم شخصی است اصل بر این است که شما اگر در یک پارکی با هر وضعیتی وارد شدید بدن شما حریم شخصی شماست، دیگران حتی حق ندارند نگاه کنند. و احسنت و آفرین به کشوری مثل آمریکا که قانون وضع می‌کنند که یک خانم با هر وضعیتی در آنجا راه می‌رود اگر اقایی نگاه چپ بکند این یک حقی بوجود می‌آید که از این خانم شکایت کند که این آقا به من بد نگاه کرد. می‌گوییم چرا؟ می‌گوید برای اینکه اصل بر این است که من آزاد هستم، اصل بر این است که تا حد امکان تا جایی که با قانون تعارض نداشته باشد بدن من، رفتار من و فکر من حریم شخصی است. و شما وارد حریم شخصی من شدید، حالا بگوید شما در جامعه وارد شده‌اید می‌گوید باشد می‌گوید تا جایی که تزاحمی با قانون نداشته باشد اگر قانون من را محدود کند بله، مثلاً قانون بگوید در دانشگاه با این لباس وارد شد آنجا بله، اگر قیدی نذاشته است اصل این است که من هر جوری می‌توانم بیایم.

با این نگاه یقیناً چیزی برای امر به معروف نیست با این نگاه امر به معروف در خیلی از جاها جز فضولی هیچ چیز نیست جز شکستن حریم انسانی و جز شکستن آزادی انسان هیچ مفهوم دیگری ندارد.

حالا ما طالبانی فکر کنیم یعنی هیچ حریم شخصی در اسلام نیست؟ خیر این طور نیست اما تعریف خودمان را داریم. از همینجا مشخص می‌شود همانطور که در خیلی از مفاهیم هست در اینجا هم اینجوری است.

ما در دو بستر جلو می‌رویم. بستر انسانگرایی و بستر خدا محوری. انسان محوری و خدا محوری، اومانیسم انسان محوری و خدا محوری ﴿**اللَّهُ وَلِيُّ الَّذينَ آمَنُوا**[[1]](#footnote-1)﴾ خداوند ولی است این نگاه خط فکری انسان محوری است.

در نگاه انسان محوری حریم شخصی بسیار مورد تأکید است که چون بر این پایه این است که حریم شخصی یک مسئله‌ای هست که مسئله محوری هست در مورد انسان در مفهوم لیرالیسم و اومانیسم حریم شخصی جایگاه بسیار والایی دارد

# پیشینه حریم شخصی در لیبرالسیم

در گفتمان لیرالیستی یکی از ارزشهای مهم حریم شخصی فرد است خیلی از فیلسوف‌ها مثل جان لایک و ادام اسمیت و یک مقدار هم استوارمیت اینها راجع به حریم شخصی بحث کرده‌اند اینها از نظر فلسفی بحث کرده‌اند بر پایه نگاه انسان‌شناسی که بر پایه لیبرالیستی و اومانیستی داشتند گفتند تا جایی که با قوانین تعارض نداشته باشد یعنی قانون محدودیت درست کند، بله، اصل بر این است که تا حد امکان این اصل حریم شخصی انسانها رعایت بشود

یک نکته‌ای هم بگویم در غرب حریم شخصی با بحث آزادی لزوماً یکی نیست بله در عمل در پارک می‌گوییم من ازاد هستم این کار را بکنم. خیلی از جاها حریم شخصی و آزادی در عمل یک جا استفاده می‌شود اما نکته این نیست که مفهومشان یک یباشد بحث آزادی یک بحث است و حریم شخصی یک بحث است اما اینها همپوشانی زیادی دارند اما به قول ما عموم و خصوص من وجه هستند اما در فضای غربی می‌گویم.

در همان غرب تعریف حریف شخصی بسیار متکثر است فیلسوف معمولا از نگاه انسان‌شناسی وارد شده‌اند و بحث کرده‌اند و همان بعد آزادی انسان مورد توجه‌شان بوده است اصل بر فرد گرایی مورد توجه آن‌ها بوده است هر کسی فکر و رفتارش اصل بر این است که خودش تصمیم بگیرد کسی دیگر برای او تصمیم نگیرد و اصل بر آزادی و انسان محوری است بر پایه آن حریم شخصی یک اصل بسیار مهم می‌شود.

یک دسته هست که معمولا فیلسوف‌ها تعریف داشته‌اند که قدیمی است به مرور تعریف‌ها به سمت از جمله در فرهنگ حقوق آکسفورد اینجوری گفته‌اند: حق برای خود بودن، حریم شخصی حق برای خود بودن انسان حق دارد برای خود باشد در بعد اعتقادی، رفتاری، و امثالهم این حق هست تا جایی که مانع باشد و مانع قانون است.

یک خط فکری دیگر در همان لیبرالیسم، از حریم شخصی بحث کرده‌اند حقوقدانها بوده‌اند در کتابهای حقوقی هم بحث شده است فیلسوف‌ها وقتی از حریم شخصی بحث می‌کنند بیشتر ناظر بر بعد انسان شناختی بوده است و تعریفی که از انسان دارند. اومانیسم و انسان محوری، فرد گرایی کلید واژه انهاست که فرهنگشان را شکل می‌دهد بر پایه آن، طبیعتاً حریم شخصی جایگاه ویژه‌ای دارد.

اما اگر از نگاه حقوقی نگاه می‌کنید در همان فرهنگ لیبرالیسم هم از نگاه حقوقی نگاه شده است اما بیشتر ناظر بر آن بعد قانونی بحث کرده‌اند چون حقوق‌دان بوده‌اند آمده‌اند ارتباط حریم شخصی را قوانین را بررسی کنند این می‌خواهد دایره حریم شخصی را که اینها تعریفهای جدید عمدتاً تعریفهای حقوقی است یک کم دایره حریم شخصی را تنگ‌تر کرده اند، چون اینها معمولا حق به قوانین و قانون و حاکم و حاکمیت بیشتر می‌دهند چون می‌گویند حاکم و حاکمیت می‌خواهد جامعه را نگه دارد و از جهت‌های امنیتی و امثال آن باید وارد حریم شخصی بشود.

اما نگاه حقوقی به مرور توسعه بیشتری به ورود حکومت به حریم شخصی دادند در تعریفهایشان و نگاه‌هایشان از بعد حقوق بوده است مثلاً تعریف کردند حق برای افراد حمایت شدن برای وارد شدن در مقابل بدون اجازه به امور زندگی افراد و خانواده‌هایشان با ابزار مستقیم فیزیک یا به وسیله نشر اطلاعات.

تعریفهای جدیدتر حریم شخصی در فضای لیبرالیسیتی بیشتر به سمت مسائل رفته است مثلاً شما اصلا تعریف‌های امروزی را نگاه کنید ناظر به مسائل مهم است مثلاً یکی از مسائل بسیار مهم که حریم شخصی در مورد آن خیلی مطرح است فضای مجازی است و خیلی از تعریفهای امروزی ناظر به حریم شخصی در مورد اطلاعات افراد گفته شده است برای اینکه افراد در چه محدوده‌ای می‌توانند از حق خود دفاع کنند مثلاً حریم خصوصی صرفاً فقدان اطلاعات درباره ما نزد دیگران نیست بلکه عبارت است از کنترلی که ما بر اطلاعات مربوط به خودمان داریم

اطلاعات می‌دهد اما این مقید نمی‌کند ما بخواهیم نگاه لیبرالیسیتی را جمع کنیم این نگاه بیشتر حق برای خود بودن، حق تنها بودن، که اینها را حق میداند، این طرف در مفهوم دینی بر جماعت و اجتماع تأکید دارید و در لیبرالیسیم بر فرد تأکید دارد.

و این برون داد، در اقتصاد و موارد ارزشی آن هست در سرفصل‌نویسی آموزشی هست حق تنها بودن فکری، حق برای خود بودن، یک حریمی و یک دیوار معنوی را تعریف می‌کنند که هم بعدهای جسمانی و وارد شدن فیزیک به حریم شخصی را مورد نظر قرار می‌دهند و هم ابعاد آن معنوی که نشر اطلاعات و امثال آن باشد.

# رابطه حریم شخصی و آزادی

در نگاه لیبرالیستی، نگاه و تعریف بر همان حرز و حد ورود هست با مفهوم آزادی فرق می‌کند بعضی دقت نمی‌کنند بعضی از مقالات وارد حریم شخصی می‌شوند از آزادی بحث می‌کنند. آزادی با حریم شخصی ارتباط دارد ولی دو مقوله هست. اینجا از یک حرز و حدی سخن می‌گوید که شما وارد نشوید بحث می‌کند.

ارتباط بسیار زیادی با بحث آزادی دارد اما لزوماً یکی نیستند

اینجا تکلیف با خودش مشخص است که بر پایه آن لیبرالیسم و فردگرایی و امثال آن یک تعریف دارد و اصل را بر این قرار می‌دهد. شما آنجا داخل ماشین بر اساس آن فرهنگ چه می‌شود؟ می‌گوید اصل بر این است که ماشین یا خانه یا هر جا خیابان، اصل بر این است که شما آن چه را که انتخاب می‌کنی و رفتار می‌کنی حریم شخصی است الا اگر بخواهیم در این دنیا زندگی بکنیم باید یک حد نصابی از قوانین داشته باشیم و الا جنگل می‌شود دیگر نمی‌شود در دنیا لذتی ببرد الا اینکه قانون جلوی شما را بگیرد و بگوید اینجا دیگر حریم شخصی نیست.

لذا من مثلاً العیاذ بالله بگویم می‌خواهم انتخاب کنم با همجنس ازدواج کنم، اگر قانون بگوید نه، بله، اما اگر قانون نگفته باشد من می‌توانم رفتار کنم. حق من و حریم من است بحث آزادی را مطرح نمی‌کنم که بگوید اینها ازاد هستند که این کار را بکنند می‌گویند این حریم من است، لذا آنجا تعریفشان این است.

با این فکر دیگر هدایت و امر به معروف و نهی از منکر نداریم اینها فضولی می‌شود همه اینها القاء است اصلا چرا اینها تعریف تربیت را گفته‌اند تربیت را تعریف کرده‌اند به فرایند شکوفا سازی، چرا بر شکوفاسازی تأکید دارند

شکوفاسازی کلمه خوبی است چرا آن‌ها اینقدر تأکید دارند چون می‌گویند هیچ القایی نباید باشد در تربیت باز با نگاهی که به بحث حریم شخصی دارند که فکر افراد را حریم آن‌ها می‌دانند می‌گویند چه معنا دارد شما در یک مدرسه بخواهید بگویید دین یعنی چه، خدا یعنی چه؟ او باید خودش تعریف بکند.

مثلاً در اخبار ما می‌گویند در فلان کشور در کتاب درسی درباره اسلام نوشته اند، اگر هم نوشته‌اند می‌گویند اسلام را یهود را مسیحیت را تعریف بکنید خود بچه انتخاب کند چون حریم شخصی‌اش هست.

دیگر قواعدی مثل امر به معروف و نهی از منکر و هدایت معنی پیدا نمی‌کند چون می‌گویند همه اینها بعد القایی دارد و ما قبول نداریم.

# حریم شخصی در نگاه اسلام

ما در اسلام حریم شخصی به این معنا نداریم. حریم شخصی از مفاهیم جدیدی هست که مثل خیلی از مسائل دیگر اصطیاد یافته و برداشت شده از عناوین دیگری است.

## اقسام حریم شخصی

حریم شخصی از دو بعد باید بحث بشود

۱- می‌گوییم ما یک سری عناوینی داریم که آن عناوین مجموعاً مفهومی به نام حریم افراد را شکل می‌دهد اما آن لزوما به این معنای حریم شخصی که عمدتاً از غرب آمده، نیست، تعریف خود را دارد و بر پایه آن تعریف تزاحمات که ما می‌خواهیم در جامعه امر به معروف و نهی از منکر و هدایت و امثال آن را اجرا کنیم در آنجا بر اساس آن تعریف تزاحم را حل می‌کند که مثلاً اینجا امر به معروف مقدم است یا بحث حریم شخصی. .

و صلی الله علی محمد و آل محمد.

1. - سوره بقره، آیه 257 [↑](#footnote-ref-1)